



## اصالت آمیخته فرد و جامعه از نگاه شهید بهشتی و امام صدر

محمد مهدی رفیعی - سردبیر اندیشه بهشتی

### مقدمه

یکی از بحث‌های انسان‌شناسی جزءنگر، انسان‌شناسی اجتماعی است که به احوال انسان از آن جهت که موجودی اجتماعی است می‌پردازد. از مهمترین بحث‌های انسان‌شناسی اجتماعی، که از ثمرات گسترده و دامنه‌داری برخوردار است، بحث اصالت فرد یا جامعه است. اگرچه در میان اندیشمندان مسلمان این بحث چندان مورد اختلاف نباشد، اما توجه به آن راهگشای مسائل سیاسی، حقوقی، تربیتی و... بسیاری است که محل نزاع و اختلاف واقع شده‌اند. مسئله اصالت فرد و جامعه در انسان‌شناسی یا روانشناسی اجتماعی، سوال از این است که آیا انسان به قدری تحت‌تاثیر و نفوذ جامعه است که همه ابعاد وجودی او را از خود متأثر می‌سازد و حتی هویت شخص

را تعیین می‌بخشد، یا آن‌که انسان اراده‌ای آزاد از جبر اجتماعی داشته و انتخاب‌های او کاملاً برخاسته از سلیقه شخصی و فردی‌اش بوده است و نه تحت‌تاثیر فضای جامعه. (مصباح، 1399: 49)

این بحث نباید با اصالت فرد و جامعه در علم حقوق و یا فلسفه خلط شود. در علم حقوق یا فقه مراد از اصالت، تقدم منافع فرد بر عموم (جامعه) یا بالعکس است (مصباح، 1399: 46) و در علم فلسفه مراد از اصالت، وجود حقیقی و عینی داشتن (در مقابل وجود اعتباری که کاملاً ذهنی بوده و خارجیتی ندارد) است. (مصباح، 1399: 52)

بنابراین آنچه فیلسوفان در باب اصالت فرد یا جامعه یا اصالت هردو گفته‌اند، غیر از بحثی است که پیش‌روی این نوشتار است. در این پژوهش به نگاه شهید بهشتی و امام موسی صدر به اصالت - به معنی

### ۱. اصالت فرد

در باره مسئله فوق، عده‌ای قائل به اصالت فرد هستند و اصالت جامعه را برنتابیده‌اند. به عقیده ایشان، انسان دارای هویتی مستقل است که اگرچه از ارتباطش با دیگران تاثیرپذیر و منفعل باشد، اما این تاثیرات به قدری نیست که به‌عنوان یک پایه و رکن در هویت انسان به حساب آید. به عبارت دیگر، انسان موجودی اجتماعی است و دائماً در تعامل با دیگران به‌سر می‌برد و حتی از این تعامل تاثیراتی هم می‌پذیرد، اما آنچه مسیر زندگی، تصمیم‌ها و انتخاب‌های او را رغم زده و به تبع، هویت او را می‌سازد، خود فرد است و نه جامعه و این نه فقط به‌منزله اثبات جایگاه اراده آدمی در رفتارهایش، که به معنی غلبه مطلق فرد بر

جامعه و بی‌اهمیتی جامعه و فضای آن در رفتار و اعمال افراد است.

شهید بهشتی در این باره می‌نویسد:

«بر طبق این نظر، عامل اساسی در شکل دادن به زندگی هرکس خود اوست، نه جامعه، زیرا جامعه چیزی جز مجموعه افراد نیست، مجموعه افرادی که به تجربه دریافته‌اند که خواسته‌هایشان در پرتو همکاری بهتر تأمین می‌شود و به دنبال این تجربه، به زندگی دسته‌جمعی کشیده شده‌اند. بنابراین انگیزه ایشان بر زندگی گروهی نیز همان علاقه هر فرد به رسیدن به خواسته‌های شخصی خویش است. نظامات اجتماعی هم به وسیله خود این افراد وضع شده [اند] تا راه رسیدن آن‌ها را به مصالحی که برای خود در نظر گرفته‌اند هموار سازد. بنابراین همه‌جا پای فرد در میان است و نقش اساسی خواست و عمل کردن فرد. فساد جامعه نیز ناشی از فساد افراد است. به همین جهت، راه اصلاح هر جامعه نیز جز این نمی‌تواند باشد که هر فرد خود را اصلاح کند تا جامعه به خودی خود اصلاح شود.» (رفیعی، 1401: 136-135)

## ۲. اصالت جامعه

اما در مقابل عده‌ای بر این باورند که اصلاً هویت انسان، یک هویت اجتماعی است و هیچ تصمیمی از انسان سر نمی‌زند مگر به فرمان جامعه و طبقه اجتماعی انسان. در این نگرش، انسان مجبور به جبر اجتماعی و مغلوب به غلبه مطلق و تعیین‌دهی جامعه بر رفتار می‌باشد.

«به نظر کسانی که از اصالت جامعه سخن می‌گویند، فرد انسان در جامعه چیزی است شبیه سلول در یک پیکر زنده، چون [پیکر] انسان. آیا یک سلول می‌تواند در برابر مجموعه پیکر انسان و نظام پیچیده حاکم بر آن، برای خود وضعی مستقل داشته باشد و برای رشد و تکامل، جهتی مستقل داشته باشد، صرف نظر از این که مجموعه

بدن در حال سلامت و اعتدال است یا در حال بیماری و بی‌اعتدالی؟ البته [که] نه. به همین ترتیب، فرد انسان هم نمی‌تواند در داخل نظام اجتماعی [ای] که در آن زندگی می‌کند، برای خود و تکامل خود، روندی مستقل [و] بر طبق دلخواه خویش داشته باشد، بلکه به همان‌جا و همان‌سو می‌رود که جریان نیرومند اجتماعی و اقتصادی



حاکم بر جامعه او را می‌برد.» (رفیعی، 1401: 136)

بنابراین در خصوص مناسبات فرد با محیط اجتماعی‌اش، دو نگرش فردگرا و جمع‌گرا وجود دارد. اما نگرش سومی نیز ارائه شده که در آراء و سخنان دو اندیشمند نامدار معاصر، آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله موسی صدر دیده می‌شود.

## ۳. دیدگاه شهید بهشتی

شهید بهشتی در انسان‌شناسی خود طرفدار نظریه اصالت فرد و جامعه است. در کانون تعبیر وی، از این نظریه به نظریه «اصالت آمیخته فرد و جامعه» یاد شده است. (رفیعی، ۱۴۰۱: ۱۴۱)

«بررسی همه‌جانبه تعالیم اسلام نشان می‌دهد که زیربنای این تعالیم نیز همین

نظر سوم، یعنی «اصالت آمیخته فرد و جامعه» است. در تعالیم اسلامی می‌بینیم که از یک سو، روی مسئولیت فرد نسبت به خودسازی و محیط‌سازی تکیه شده و از سوی دیگر، روی تأثیر اجتناب‌ناپذیر محیط اجتماعی در شکل دادن به اندیشه، اراده، اخلاق و عمل فرد، تا آنجا که گویی سرنوشت انسان‌ها به مقدار زیاد [ی] به هم پیوسته است. از این رو است که قرآن از هر یک از انسان‌ها می‌خواهد که در یافتن و پیمودن راه حق مصمم باشند و انحراف محیط را بهانه انحراف خود قرار ندهند.» (رفیعی، 1401: 141)

شهید بهشتی با گذر از بحث‌های فلسفی و با تکیه بر وحی، اشاره می‌کند که آموزه‌های وحیانی بیانگر این مسئله هستند که هم محیط اجتماعی موثر بر اراده فرد است، تا جایی که می‌تواند مسیر زندگی او را تغییر دهد و هم اراده انسان تحت تأثیر محیط سلب می‌گردد و لذا انسان محکوم به جبر اجتماعی نیست. (رفیعی، ۱۴۰۱: ۱۴۱)

بهشتی در تبیین چگونگی دو پایه بودن اصالت و قابل جمع بودن اصالت فرد و اصالت جامعه می‌گوید:

«ما می‌خواهیم بگوییم انسان، در رابطه با آزادی‌ها و انتخاب‌های درونی و در رابطه با نقش عوامل بیرونی، این‌طور آفریده شده که عوامل بیرونی در ساختن او نقش دارند، ولی نقش منحصر به فرد ندارند. یعنی جبر اجتماعی، به طوری که اختیار فرد را به کلی از بین برد وجود ندارد. چون اگر ما قائل به جبرهای اجتماعی شویم، می‌شود دترمینیسم اجتماعی، طبیعی و اقتصادی کامل که بدین معناست که دیگر فرد [هیچ] هویتی مستقل از جامعه ندارد. این ایده‌ای است که حرف تمام مکتب‌های دترمینیستی است. متأسفانه من تاکنون ندیده‌ام مکتبی این حرف را بزند و تا آخر از آن دفاع کند. اما وقتی می‌خواهد [آن را] توجیه فلسفی کند، حرفش این است. مکتب‌های فردگرا

مسیر زندگی خود است، اما تحت تاثیر جامعه نیز هست و لذا آزادی او از آنچه توسط جامعه القا می‌شود متاثر است و می‌تواند آنرا تحت الشعاع خود قرار دهد. وی تاثرات انسان از جامعه را روشن و بی‌نیاز از برهان می‌داند:

«حقیقت این است که اسلام از زبان پیامبر خود می‌گوید «بُعِثْتُ لِأُمَّمٍ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»، اما آیا مکارم اخلاقی فرد، مصنوعیت دارد و می‌توان آن را در محیط و جامعه‌ای حفظ و صیانت کرد که با آن مکارم و آموزه‌های ایمانی و اعمال متعالی، نامتناسب است؟ قطعاً خیر؛ به‌نظر من تأثیرپذیری انسان از جامعه نیازی به برهان ندارد» (صدر، 1401 الف: 209).

اما این بیان مثبت اصالت جامعه نیست، زیرا صدر تصریح دارد که جامعه همان مجموعه عملکردهای انسان‌ها و ساخته دست آن‌هاست:

«آنچه در جامعه دیده می‌شود حاصل عملکرد مجموعه‌ها و سازمان‌ها است و سازمان‌ها ساخته دست انسان و در گرو اشاره انسان است و از ساخته‌های انسان است و آن‌که جوامع را می‌سازد، انسان است.» (صدر، 1401 الف: 224)

بنابراین به روشنی در می‌یابیم که امام صدر نیز همچون شهید بهشتی دو رکن و پایه اصیل برای مناسبات فرد با جامعه قائل است: نخست اراده آزاد انسان (و رهایی از جبر اجتماعی) و تاثیر او بر جامعه، و دوم اثرگذاری شدید جامعه بر انسان و انتخاب‌های او. صدر در تفسیر آیات مرتبط با بازگشت انفاق به منفق می‌گوید: «انفاق احیای خانواده‌های فقیر و گروه‌های زحمت‌کشی است که ابزار کافی برای زندگی شرافتمندانه در اختیار ندارد و در نتیجه انفاق؛ این زندگی، سلامتی، تغذیه، تعلیم و تربیت را برای فرزندان‌شان تأمین می‌کنند. با این انفاق، هم خود در ساختن جامعه‌مان و ارتقای سطح آن شرکت کرده‌ایم

صدر نیز مشابه رویکرد دکتر بهشتی است و نظرات او با آیات قرآن و استنباطات تفسیری او گره خورده است و کلمات او ناظر به مباحث انسان‌شناختی کاربردی است.

امام صدر یک اندیشمند اجتماعی است و کمتر بحثی از او وجود دارد که صبغه اجتماعی نداشته باشد. او کاملاً به اهمیت جامعه و مسئولیت اجتماعی اذعان دارد و بر همین اساس اسلام را یک دین اجتماعی می‌داند.

اگرچه در عبارات او مستقیماً به مسئله اصالت فرد و جامعه پرداخته نشده، با این حال او در موارد متعددی اصالت فرد و اصالت جامعه را نفی نموده است. وی در عبارتی گویا به نفی اصالت انسان‌شناختی



فرد اشاره کرده و می‌گوید:

«می‌توان فرد را در کانون همه توجهات قرار داد اما به اوضاع و اجتماع بی‌توجه بود و از آن غفلت ورزید. نمی‌توان برای فرد و تربیت او برنامه‌ریزی کرد و در عین حال، او را در جامعه‌ای رها کرد که با تعالیم و برنامه‌های مذکور سنخیت و تناسبی ندارد. پس اگر بخواهیم فرد، صالح و مومن و شایسته باشد، غفلت از جامعه فرد به هیچ وجه مجاز نیست.» (صدر، 1401 الف: 208)

از دیدگاه امام صدر، فرد اگرچه سازنده

هم حرفشان این است که فکر می‌کنند فرد همه‌کاره است و هر کاری که دلش بخواهد باید بکند. بنابراین نقش عوامل آسیب‌رساننده در انتخاب او را نادیده می‌گیرند. اما اسلام می‌گوید هر دو. هر دو یعنی چه؟ هر دو این است که می‌گوید ای انسان! در هر جایی که قرار گرفته‌ای، باز هم قدرت انتخاب داری.» (رفیعی، 1401: 139)

بنابراین در نگرش شهید بهشتی، جای هیچ ابهامی وجود ندارد که هم فرد اصیل است و هم جامعه و از این جهت، انسان دارای هویتی فردی-اجتماعی است. یعنی از طرفی هویت شخصی و فردی مستقل از جامعه دارد که به موجب آن هر قدر هم که تاثیر جامعه بر او زیاد و پر فشار باشد، باز راه بر انسان متعین نمی‌گردد و همواره اراده آزاد او به جای خود باقی است: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا». بر اساس این فرمان الهی، اراده انسان اگرچه تضعیف گردد و اثرات جامعه بر انسان، بسیار گسترده و همه‌جانبه باشد، با این حال سبب سلب آزادی انسان نمی‌گردد و حقیقت اراده همچنان محفوظ است.

از طرف دیگر اثرگذاری جامعه به‌عنوان یک هویت دارای اثر بر انسان غیر قابل انکار است. البته این بحث چنانکه پیش‌تر هم اشاره شد، صرفاً یک بحث قرآنی و بر اساس آموزه‌های وحیانی است و آیت‌الله بهشتی وارد بحث‌های فلسفی این مسئله نشده است. بنابراین بهشتی با حفظ اصالت فرد و اصالت جامعه، قائل به اصالت آمیخته است.

#### ۴. دیدگاه امام موسی صدر

در کلام امام موسی صدر نیز بحث فلسفی در وجود و عدم وجود هویت مستقلی به نام جامعه وجود ندارد. رویکرد سید موسی

و هم افراد جدیدی را مشارکت داده‌ایم. چون سطح جامعه ارتقا یابد، هر انسانی چه انفاق‌کننده و چه گیرنده آن؛ بدون هیچ تفاوتی از آن بهره می‌برد. حتی انفاق‌کننده با توجه به زندگی و فعالیت‌های وسیعش، بیش از انفاق‌گیرنده از جامعه پیشرفته بهره می‌برد» (صدر، ۱۴۰۱ ب: ۸۶)

### کتاب‌نامه

رفیعی، محمدمهدی، (۱۴۰۱)، انسان از منظر قرآن؛ انسان‌شناسی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، قم: نشر معارف.

صدر، سید موسی، (۱۴۰۱ الف)، ادیان در خدمت انسان، تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، سید موسی، (۱۴۰۱ ب)، حدیث سحرگاهان، تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

مصباح یزدی، (۱۳۹۹)، جامعه و تاریخ در قرآن، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.

به عقیده صدر، انسان به‌رغم آزادی از جبر اجتماعی، به قدری تحت تأثیر جامعه است که جامعه رشد یافته در تربیت فرد تأثیر مثبت گذاشته و جامعه خالی از ارزش‌های اخلاقی و رشد نیافته نیز بر افراد تأثیر منفی می‌گذارد. بنابراین خواه جامعه هویتی مستقل داشته باشد، خواه نه، انسان در نگاه امام صدر از جامعه خود تأثیر می‌پذیرد و همین مبنا سبب بسیاری از آراء و نظرات دیگر از جمله مسئولیت اجتماعی انسان نیز می‌گردد.

### ۵. جمع‌بندی

اصالت فرد و جامعه که در فلسفه تاریخ نیز از مباحث پرتکرار، به‌شمار می‌رود، از سبب‌های انسان‌شناسانه برخوردار بوده و به نوعی بحث از هویت انسان و ویژگی‌های اوست. در این نوشتار، دیدگاه دو اندیشمند مسلمان معاصر؛ آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله سید موسی صدر مرور شد. از نگاه این دو اندیشمند، انسان موجودی است دارای اراده و با هویتی مستقل از جامعه که در عین حال متأثر از عوامل بیرونی و اجتماعی است و در کاروان اجتماع حرکت می‌کند. در این نگاه آزادی فرد اگرچه تحت تأثیر همه جانبه جامعه است و جامعه نقشی کلیدی و اصیل در رفتار و شخصیت انسان دارد، اما این نقش جبرآور نبوده و فرد همواره امکان حرکت برخلاف جریان حاکم بر محیط اجتماعی را دارد.

برای مطالعه بیشتر بنگرید به: گفت‌وگوی